

تأثیر اصل بنیادی محافظه کارانه‌ی حسابداری بر ساختار سرمایه در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس

دکتر مصطفی دیلمی‌پور / حسابدار رسمی
مصطفی پهلوان / سمیرا پهلوان

خطی چندمتغیره، به کمک نرم‌افزار SPSS19، نتایج تحقیق نشان داد که بین محافظه‌کاری حسابداری و ساختار سرمایه رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

۱- مقدمه

محافظه‌کاری یکی از ویژگی‌های گزارشگری مالی است که در قالب یک اصل محدودکننده در چارچوب اصول و مفاهیم حسابداری، ایفاگر نقش مهمی در محدودکردن رفتارهای خوش‌بینانه‌ی مدیران در جایگاه تهیه‌کنندگان اطلاعات از یک سو و برآوردی از حداقل عایدات سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در جایگاه مهم‌ترین استفاده‌کنندگان، از سوی دیگر است و با

این تحقیق رابطه‌ی محافظه‌کاری در حسابداری و ساختار سرمایه در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس ایران را بررسی می‌کند. محافظه‌کاری بر مبنای مدل گیولی‌هاین و ساختار سرمایه بر مبنای مدل لیسون و مورتال (۲۰۰۹) اندازه‌گیری می‌شود.

در این مقاله، به شکل تجربی به تحلیلگران مالی، سرمایه‌گذاران، مدیران و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند بر ساختار سرمایه در شرکت‌ها اثرگذار باشد. با استفاده از اطلاعات صورت‌های مالی ۱۰۲ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار طی دوره‌ی زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ و با بهره‌گیری از روش تحلیل رگرسیون

توجه به جنبه‌های اقتصادی اطلاعات، گزارشگری مالی و سیستم حسابداری نقش حیاتی را در بازار سرمایه ایفا می‌کند. سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان با استفاده از اطلاعات حسابداری عملکرد آتی شرکت را پیش‌بینی و از آن برای ارزش‌گذاری شرکت استفاده می‌کنند.

فلتهام و اوهلسون (۱۹۹۵) یکی از عوامل کلیدی ارزیابی شرکت را محافظه‌کاری در گزارشگری دارایی‌های عملیاتی عنوان کردند، تعدادی از پژوهشگران تأثیر محافظه‌کاری بر ارزش شرکت را مورد بررسی قرار دادند. گیولی و هین (۲۰۰۰) در پژوهشی نشان دادند که شناخت زیان نسبت به سود زودتر انجام می‌شود و میزان محافظه‌کاری غیرشرطی افزایش یافته است. در این میان برخی از نظریه‌پردازان حوزه‌ی تحقیقات اثباتی حسابداری نظیر واتز معتقدند که محافظه‌کاری حسابداری به‌عنوان یک سازوکار مؤثر در تنظیم قرارداد میان گروه‌های مختلف، از طریق به تأخیر انداختن شناخت اخبار خوب مانند سود، رفتار جانبدارانه‌ی مدیر را در شناسایی سود خنثا می‌کند (واتز ۲۰۰۳). از این‌رو، هدف این پژوهش در درجه‌ی اول بسط مبنای نظری مرتبط با موضوع محافظه‌کاری حسابداری و شاخص ساختار مالی و در درجه‌ی دوم آن است که به گونه‌ای تجربی به تحلیل گران مالی، سرمایه‌گذاران، مدیران و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری، نشان دهد که آیا محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند به عنوان سازوکاری مؤثر در کیفیت گزارش‌های مالی باشد یا خیر؟

۲- مبانی نظری تحقیق

۲-۱ ساختار سرمایه

امروزه مسئله‌ی تأمین مالی یکی از مسایل مهمی است که همه‌ی شرکت‌ها به نحوی با آن روبه‌رو هستند. ساختار سرمایه‌ی شرکت‌ها به طور کلی متأثر از میزان سرمایه‌ی مورد نیاز و ترکیب منابع تأمین مالی است. وام و سهام دو جزء اصلی تشکیل‌دهنده‌ی ساختار سرمایه محسوب می‌شوند. با توجه به منابع تأمین، شرکت‌ها از بازده و ریسک متفاوتی در عرصه‌ی بازارهای تأمین سرمایه برخوردار هستند. بنابراین

تصمیم‌های مربوط به ساختار سرمایه نقش مؤثری در کارایی و اعتبار شرکت‌ها نزد مؤسسات تأمین سرمایه خواهد داشت. ساختار سرمایه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پارامترهای مؤثر بر ارزش‌گذاری و جهت‌گیری بنگاه‌های اقتصادی در بازارهای سرمایه مطرح شده است. محیط متحول و متغیر کنونی، درجه‌بندی شرکت‌ها را از لحاظ اعتباری نیز تا حدودی به ساختار سرمایه آن‌ها منوط ساخته و برنامه‌ی استراتژیک آن‌ها را به منظور انتخاب منابع مؤثر برای دستیابی به هدف حداکثرسازی ثروت سهامداران منوط کرده است. عوامل و متغیرهای مختلف از طریق تأثیرگذاری در انتخاب ساختار بهینه‌ی سرمایه، می‌توانند سودآوری و کارایی واحد تجاری را تحت تأثیر قرار دهند. از این‌رو بررسی میزان اثرپذیری ساختار منابع مالی شرکت‌ها از پارامترهای مختلف از جمله ویژگی‌های شرکت و همچنین اهمیت شرکت از لحاظ وسعت عملکرد، سودآوری، امکانات رشد، اندازه‌ی نوع فعالیت، که تعیین‌کننده‌ی نیاز مالی متنوع آن‌ها خواهد بود، جایگاه شرکت‌ها در بازارهای تأمین اعتبار را مشخص و مدیران را نسبت به فرصت‌ها و تهدیدهای داخلی و خارجی موجود در مسیر این فعالیت‌ها آگاه می‌کند. (سجادی و محمدی، ۱۳۹۰، ص. ۱).

در بررسی ساختار سرمایه‌ی شرکت‌ها تلاش می‌شود تا ترکیب منابع مالی مختلف مورد استفاده‌ی آن‌ها در تأمین مالی فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز تبیین شود. هدف از تعیین ساختار سرمایه مشخص کردن ترکیب منابع مالی هر شرکت به منظور پیشینه‌سازی ثروت سهامداران است، زیرا از آن‌جا که هزینه‌ی سرمایه‌ی شرکت تابعی از ساختار سرمایه‌ی آن تلقی می‌شود، انتخاب ساختار سرمایه‌ی مطلوب موجب کاهش هزینه‌ی سرمایه شرکت و افزایش ارزش بازار آن می‌شود. (خالقی مقدم، باغومیان ۱۳۸۵، ۵۹).

۲-۲ تعریف محافظه‌کاری

باسو (۱۹۹۷) محافظه‌کاری را الزام به داشتن درجه‌ی بالایی از تأیید برای شناخت اخبار خوب مانند سود، در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان تعریف می‌کند. این تعریف محافظه‌کاری را از دیدگاه سودوزیان توصیف می‌نماید. اما تعریف دیگر (فلتهام و اولسون، ۱۹۹۵)، تعریف محافظه‌کاری از دیدگاه ترازنامه است. بر اساس



است. این نوع محافظه‌کاری، کم‌تر از واقع نشان دادن ارزش دفتری خالص دارایی‌ها به‌واسطه‌ی رویه‌های از پیش تعیین‌شده‌ی حسابداری است. این محافظه‌کاری، به محافظه‌کاری ترازنامه و یا محافظه‌کاری آینده‌نگر نیز معروف است.

۲-۳ نقش نوآوری و وجود ساختار سرمایه

اگر شرکتی در وضعیتی باشد که نوع ویژه‌ای از خدمات مالی را به سرمایه‌گذاران ارائه نماید، آنگاه می‌توان انتظار داشت که قدرت سحرآمیز یا جادویی به‌وجود آید. معمولاً این نوع خدمات منحصر به فرد هستند یا این‌که شرکت با قیمت بسیار کم‌تر از سایر رقبا خدمات را ارائه می‌کند، بنابراین شرکت لازم است که به نوع نیاز مشتریان پی ببرد. در این صورت می‌توان توقع داشت که مشتریان در برابر خدمت، پول بیش‌تری پرداخت کنند. نمونه چنین مسئله‌ای آن است که معمولاً افراد، خود حاضر به گرفتن وام نیستند، اما در عوض ترجیح می‌دهند سهام شرکتی را که توانسته وام بگیرد با قیمت بیش‌تری بخرند. اما همین مسئله، وقتی برای تمام شرکت‌ها به‌طور عمومی مطرح می‌شود، تنها شرکت‌هایی می‌توانند از قدرت جادویی وام استفاده کنند که دست به نوآوری و ابتکار بزنند. این موضوع عامل ایجاد مؤسسات مالی متنوع با اوراق قرضه گوناگون شده است. البته همیشه خلاقیت برای افراد خلاق سودآور است و معمولاً چیز زیادی نصیب دنباله‌روها نمی‌شود. مثلاً انتشار اوراق قرضه‌ی بدون بهره برای اولین بار با استقبال چشمگیر سرمایه‌گذارانی که از پرداخت مالیات

این دیدگاه، در مواردی که تردیدی واقعی در انتخاب بین دو یا چند روش گزارشگری وجود دارد، آن روشی باید انتخاب شود که کم‌ترین اثر مطلوب بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد. تعریف سوم درباره‌ی محافظه‌کاری (گیولی و هین، ۲۰۰۰) بر پایه‌ی دیدگاه ترکیبی ترازنامه و سود و زیان است. در دیدگاه سوم، محافظه‌کاری، یک مفهوم حسابداری است که منجر به کاهش سود انباشته‌ی گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریع‌تر هزینه، ارزیابی پایین‌داری و ارزیابی بالای بدهی می‌شود. در این پژوهش از تعریف سوم برای محاسبه‌ی شاخص محافظه‌کاری استفاده شده است. دلیل انتخاب تعریف سوم برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری حسابداری به تفصیل در بخش متغیرهای مورد مطالعه این مقاله آورده شده است. دسته‌بندی دیگری برای تعریف محافظه‌کاری از سوی رایان (۲۰۰۶) ارائه شده که عبارت است از محافظه‌کاری شرطی و محافظه‌کاری غیرشرطی. محافظه‌کاری شرطی، محافظه‌کاری است که توسط استانداردهای حسابداری الزام شده است. یعنی شناخت به‌موقع زیان در صورت وجود اخبار بد و نامطلوب و عدم شناخت سود در مواقع وجود اخبار خوب و مطلوب. مثلاً کاربرد قاعده اقل بهای تمام شده یا خالص ارزش فروش در ارزیابی موجودی کالا، نوعی محافظه‌کاری شرطی است. به این نوع محافظه‌کاری، محافظه‌کاری سود و زیان و یا محافظه‌کاری گذشته‌نگر نیز می‌گویند. اما محافظه‌کاری غیر شرطی از طریق استانداردهای پذیرفته‌شده‌ی حسابداری، الزام نشده

بهره‌گريزان بودند، مواجه شد ولی بعد از مدتی که بسیاری از شرکت‌ها چنین اوراقی را منتشر کردند به تدریج جذابیت اوراق کم‌تر شد. با چنین شیوه‌هایی تغییر ساختار سرمایه می‌تواند تأثیرات بسیاری هم بر شرکت و هم بر سرمایه‌گذاران بر جای گذارد. (کنعانی، ۱۳۸۴، صص ۳۳-۳۱)

فرناندز ساختار سرمایه‌ی بهینه را با استفاده از دو نمونه‌ی پیشنهادی به‌وسیله‌ی مکتب تجارت هاروارد و دامودوران ارائه کرد.

مکتب تجارت هاروارد، روابط بین هدف حداکثرسازی قیمت سهام و رسیدن به ساختار بهینه‌ی سرمایه را با در نظر گرفتن حداکثرسازی ارزش شرکت و به حداقل رساندن میانگین موزون هزینه‌ی سرمایه تحلیل می‌کند. در این مکتب با افزایش بدهی‌ها، هزینه‌ی تأمین مالی از طریق بدهی و حقوق صاحبان سهام افزایش می‌یابد و این مسئله ناشی از این است که سهام‌داران و طلبکاران شرکت در معرض ریسک بیش‌تری قرار می‌گیرند. بر همین اساس نسبت بازده دارایی‌ها و حقوق صاحبان سهام رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری با بدهی‌ها دارد، یعنی هر چه میزان بدهی‌ها افزایش یابد، نسبت بازده دارایی‌ها و حقوق صاحبان سهام هم افزایش می‌یابد. این نتیجه مطابق با نظریه‌ی ساختار سرمایه مودیلیانی و میلر است که در سال ۱۹۶۳ مطرح شد. براساس نظریه‌ی ساختار سرمایه مودیلیانی و میلر، اگر شرکت تأمین مالی خود را صددرصد از طریق بدهی انجام دهد، ارزش شرکت به حداکثر خواهد رسید. اما افزایش بدهی‌ها تا حد محدوده‌ی میانگین موزون

هزینه‌ی سرمایه روند صعودی پیدا خواهد کرد.

۲-۴ اقلام تعهدی

اقلام تعهدی به دو دسته تقسیم می‌شوند، آن دسته از اقلام تعهدی را که در مدل تجاری شرکت‌ها و محیط عملیاتی آن‌ها به‌وجود می‌آید و مدیریت واحد تجاری در پیدایش آن‌ها دخالتی نداشته است و در حین انجام فعالیت‌های تجاری شرکت ایجاد شده باشند را اقلام تعهدی غیراختیاری می‌نامیم. دسته‌ای دیگر از اقلام تعهدی به خاطر انتخاب روش‌های حسابداری، تخصیص‌های اختیاری، تصمیمات مدیریتی و قضاوت‌ها و برآوردها به‌وجود می‌آیند. به عبارت دیگر، از هر شرکت به شرکت دیگر مقدار و نوع این اقلام می‌تواند متفاوت باشد چون تحت تأثیر رویه و خط‌مشی انتخابی شرکت و آزادی عمل مدیر شرکت برای به وجود آوردن آن‌ها قرار دارد. (عارف منش، ۱۳۸۵).

۲-۵ نسبت بدهی

تعهدات ناشی از استقراض به‌ویژه در مورد بدهی‌های خصوصی (نظیر استقراض از بانک‌ها) به کاهش مشکلات نمایندگی ناشی از جریان‌های نقد آزاد و عدم تقارن اطلاعات کمک می‌کند. (فلوراکیس، ۲۰۰۸)

بانک‌ها به‌عنوان وام‌دهنده، شرکت‌ها را ملزم می‌کنند به نحوی فعالیت کنند که از پرداخت‌های در ارتباط با وام‌ها مطمئن باشند، همچنین بانک‌ها می‌توانند جایگزین مناسبی برای جبران ضعف موجود در محیط فعالیت شرکت عمل کنند، چراکه با شرکت‌ها مبادلات مستمر و برای اعمال نظارت قابلیت

استفاده از فناوری مقرون به صرفه را دارند. در نتیجه، استقراض بانکی شامل ویژگی‌های مهمی است که می‌تواند تضادهای ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران بیرونی را تقلیل دهد. به عنوان مثال اعطای اعتبار توسط بانک اخبار مثبتی در زمینه‌ی ارزش اعتباری شرکت به بازار سهام منتشر می‌کند. (پنناهان، ۲۰۱۲)

۳- پیشینه‌ی پژوهش

۳-۱ پژوهش‌های فارسی

سعید باقرزاده (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان تبیین الگوی ساختار سرمایه‌ی شرکت‌های پذیرفته‌شده در

بورس اوراق بهادار تهران، ۱۵۸ شرکت تولیدی از ۲۵۲ شرکت جامعه‌ی آماری در قلمرو زمانی سال‌های ۷۹-۸۵ را مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های این تحقیق بارز نظریه‌ی سلسله‌مراتب گزینه‌ی تأمین مالی، نظریه‌ی توازی ایستای ساختار سرمایه را تأیید می‌کند به این معنی که شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران نسبت بدهی از قبل تعیین‌شده‌ای را دنبال می‌کنند.

محمود شیخ الملوکی (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان بررسی تأثیر تغییرات ساختار سرمایه بر ارزش شرکت‌های تولیدی نشان داد که

استفاده از بدهی در تغییر ارزش شرکت‌های مورد تحقیق نقش چندانی نداشته است و گاه استفاده از بدهی اثر معکوس بر ارزش این شرکت‌ها گذاشته و شرکت‌ها نتوانسته‌اند در استفاده از مزایای مالیاتی موفق باشند.

راضیه محمدی (۱۳۸۸) در تحقیقی به بررسی مهمترین عوامل مؤثر بر ساختار سرمایه‌ی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. این تحقیق به دنبال بررسی

ارتباط معنی‌دار بین متغیرهای ساختار دارایی‌ها، نقدینگی، سودآوری، رشد سودآوری و رشد فروش با میزان استفاده‌ی اهرم در ساختار سرمایه شرکت‌ها بود. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که در قلمرو زمانی تحقیق عوامل ساختار دارایی‌ها، سودآوری و نقدینگی جزو عواملی هستند که ارتباط معنی‌داری با ساختار سرمایه دارند و دو متغیر رشد سودآوری و رشد فروش ارتباط ضعیف با ساختار سرمایه دارد.

شاپور صلواتی و رسائیان (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی رابطه بین ساختار سرمایه و نقدشوندگی سهام پرداختند. بدین منظور، ۶۰ شرکت از این جامعه‌ی آماری که اطلاعات موردنیاز برای دوره‌ی چهار سال

مورد بررسی (۸۴-۸۷) در مورد آنها در دسترس بود انتخاب شد. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از رگرسیون ترکیبی استفاده شده است. در این تحقیق فرضیات مطرح شده مبنی بر وجود رابطه‌ی معنی‌دار، بین اهرم مالی به عنوان متغیر وابسته و نقد شوندگی سهام شرکت (اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام) اندازه‌ی شرکت، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، خالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات و درآمد قبل از سود تسهیلات دریافتی، مالیات و استهلاک، به عنوان متغیرهای مستقل مورد آزمون

قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها بیانگر این مسئله است که بیش از ۵۸ درصد تغییرات در اهرم مالی توسط متغیرهای نقدشوندگی سهام، اندازه‌ی شرکت، نسبت ارزش بازار به ارزش حقوق صاحبان سهام، خالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات و در آمد قبل از سود تسهیلات دریافتی، و مالیات و استهلاک توضیح داده می‌شود. بین نقدشوندگی سهام شرکت و ساختار سرمایه رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد. نتایج تحقیقات رابطه‌ی منفی و معنی‌دار بین



اندازه‌ی شرکت و ساختار سرمایه در سطح اطمینان ۹۹ درصد است. بین نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و ساختار سرمایه در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار وجود دارد. بین خالص ماشین‌آلات و تجهیزات و ساختار سرمایه رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد، و بین درآمد قبل از سود تسهیلات دریافتی، مالیات و استهلاک (سودآوری) و ساختار سرمایه رابطه‌ی معنی‌داری ۹۵ درصد وجود ندارد.

۲-۳ برخی پژوهش‌های انگلیسی

فریدر و مارتل (۲۰۰۹) - به بررسی اثر متقابل نقدشوندگی سهام و ساختار سرمایه شرکت‌های

پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار نیویورک برای سالهای ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۸ پرداختند. معیار نقدشوندگی سهام در تحقیق آنها اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام است و از طریق میانگیری از اختلاف روزانه‌ی سهام برای سال‌های مربوطه به دوره‌ی زمانی تحقیق محاسبه می‌گردد. آنها در تحقیق خود از اهرم مالی به عنوان متغیر وابسته و از متغیرهای اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش (معیار نقدشوندگی سهام)، بازده مجموع دارایی‌ها، لگاریتم جمع کل دارایی، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان

حاصل از آزمون فرضیه نشان می‌دهد که با کاهش نقدشوندگی سهام (افزایش اختلاف) اهرم مالی افزایش می‌یابد. این مسأله با این نظریه که مدیران در صورتی که تأمین مالی از طریق انتشار سهام گران‌قیمت باشد به تأمین مالی از طریق بدهی رو می‌آورند مطابقت دارد.

سراسکویرو (۲۰۱۰) در بررسی ساختار سرمایه در کشور پرتغال به وجود رابطه‌ی معنادار بین اندازه و دارایی‌های ثابت با ساختار سرمایه یا میزان بدهی‌های بلندمدت به کل دارایی در شرکت‌ها اثبات کرده است.

ویویانی (۲۰۱۱) در پژوهش خود به بررسی عوامل

تعیین‌کننده و مؤثر بر ساختار سرمایه‌ی شرکت‌های تجاری در کشور فرانسه می‌پردازد و میزان بدهی‌های بلندمدت در شرکت‌ها را برحسب نوع صنعت متفاوت دانسته است.

آمیدو (۲۰۱۲) نیز در تحقیقی به بررسی عوامل تأثیرگذار بر ساختار سرمایه در بانک‌های کشور غنا پرداخته و به وجود رابطه‌ی معنادار بین نرخ مالیات، نرخ رشد و ساختار دارایی، اندازه‌ی بانک‌ها با ساختار سرمایه رسیده است.

۴- فرضیه‌های تحقیق

۴-۱ فرضیه‌ی اصلی:

فرضیه‌ی اول: بین ساختار سرمایه و استراتژی محافظه‌کارانه رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

۴-۲ فرضیه‌ی فرعی:

فرضیه‌ی دوم: بین ساختار سرمایه و شاخص نرخ بدهی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه‌ی سوم: بین ساختار سرمایه و اقلام تعهدی غیرعملیاتی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

خلاصه‌ی تحلیل‌ها به تفکیک هر فرضیه در ادامه ارائه می‌شود.



سهام، نوسانات جریان‌ات نقدی و هزینه‌های تحقیق و توسعه به عنوان متغیرهای مستقل استفاده کردند و روش آماری مورد استفاده برای آزمون فرضیه‌های تحقیق رگرسیون دومرحله‌ای است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ۲۷ درصد از تغییرات در اهرم مالی از طریق تغییر در متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود در ضمن افزایش یک درصدی در اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام منجر به افزایش سه درصدی در اهرم مالی می‌شود. نتایج



۵- نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش مقایسه‌ی مدل‌های مختلف ارائه با مدل محافظه‌کاری برای دستیابی به قوی‌ترین و دقیق‌ترین مدل برای پیش‌بینی رابطه‌ی محافظه‌کاری و شاخص ساختار سرمایه بود در این راستا آزمون‌هایی طراحی شد و در یک کار جدید از ارقام حسابداری برای تعیین مناسب‌ترین مدل برای محافظه‌کاری (گیولی‌هاین) و ساختار سرمایه (لیپسون و مورتال، ۲۰۰۹) استفاده و از اطلاعات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق تهران استفاده شد. تحلیل نتایج حاصل از آزمون‌های آماری انجام‌یافته نشان می‌دهد که رابطه‌ی معنی‌داری بین محافظه‌کاری و ساختار سرمایه وجود دارد، شرکت‌هایی که به دنبال رشد و پیشرفت هستند، باید سطح ساختار سرمایه بالاتری

را انتخاب کنند تا مشتریان و طرف‌های تجاری با استفاده از صورت‌های مالی بتوانند ساختار سرمایه‌ی آتی شرکت را پیش‌بینی کرد و با اطمینان خاطر بالاتری با شرکت مرادده‌ی تجاری داشته باشند. در این تحقیق، همچنین رابطه‌ی ساختار سرمایه با ارقام تعهدی غیرعملیاتی بررسی و مشاهده شد که در شرکت‌هایی که از ساختار سرمایه بهبود می‌یابد ارقام تعهدی غیرعملیاتی افزایش می‌یابد. بر اساس فرضیه‌های تحقیق پیش‌بینی شده بود که با افزایش نسبت بدهی در بین شرکت‌ها ساختار سرمایه شرکت نیز بهتر شده و افزایش می‌یابد که با بررسی‌های به عمل آمده مشاهده گردید رابطه‌ی معنی‌دار و مستقیمی بین ساختار سرمایه و نسبت بدهی وجود دارد و با افزایش وجه نقد در شرکت محافظه‌کاری نیز افزایش می‌یابد.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. کمیته‌ی فنی استانداردهای حسابداری (۱۳۸۴)، "استانداردهای حسابداری"، نشریه ۱۶۰.
۲. سجادی، محمدی (۱۳۹۰)، "بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های نظام راهبری شرکت‌ها و محافظه‌کاری"، دانشگاه علامه طباطبائی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد.
۳. آذر، ع. و منصور مؤمنی (۱۳۸۵)، "آمار و کاربرد آن در مدیریت"، انتشارات سمت، جلد دوم، چاپ نهم، تهران، ص ۱۸۲-۱۵.
۴. خالقی مقدم، باغومیان (۱۳۸۵) "بررسی تأثیر چرخه‌ی عمر شرکت و محافظه‌کاری بر ارزش شرکت"، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۵. مهران، وافی ثانی و حلاج (۱۳۸۹)، "رابطه اندازه شرکت و قراردادهای بدهی با محافظه‌کاری" فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۶، صص ۱۲۴-۱۰۷.
۶. عارف منش (۱۳۸۵) "تبیین و ارائه الگو برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری حسابداری"، رساله‌ی دکترا، دانشگاه علوم و تحقیقات
۷. کنعانی، م، (۱۳۸۴) "تبیین رابطه بین مخارج سرمایه‌ای با ضریب Q و بازده آتی سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"

منابع انگلیسی

1. Gary C. Biddle, Mary L. Ma, Frank M. Song, (2010), "Accounting Conservatism and Bankruptcy Risk ". Faculty of Business and EconomicsThe University of Hong Kong.
2. David J. Ashton, Pengguo Wang, (2010), "Valuation and Conservatism ". University of Bristol,
3. Sung, H and H. Wang J. P. (2011), "Managerial legal liability coverage and earnings conservatism" Journal of Accounting and Economics.
4. Givoly D. Hayn C. Natarajan A. (2007), "Measuring Reporting conservatism". The Accounting and Economics 29.
5. Watts R. (2003). , " Conservatism in accounting part I: explanation and implications",. Accounting Horizons 17,.
6. Ryan, S. (2006) "Identifying conditional conservatism", Stern School of Business, New York University.
7. Basu. S. (1997), "The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings", jornal of accountnng and Economics 24.
8. Nena. H, (2012) "effect of accounting conservatism on debt recovery rates". Penn State University and London Business School.

